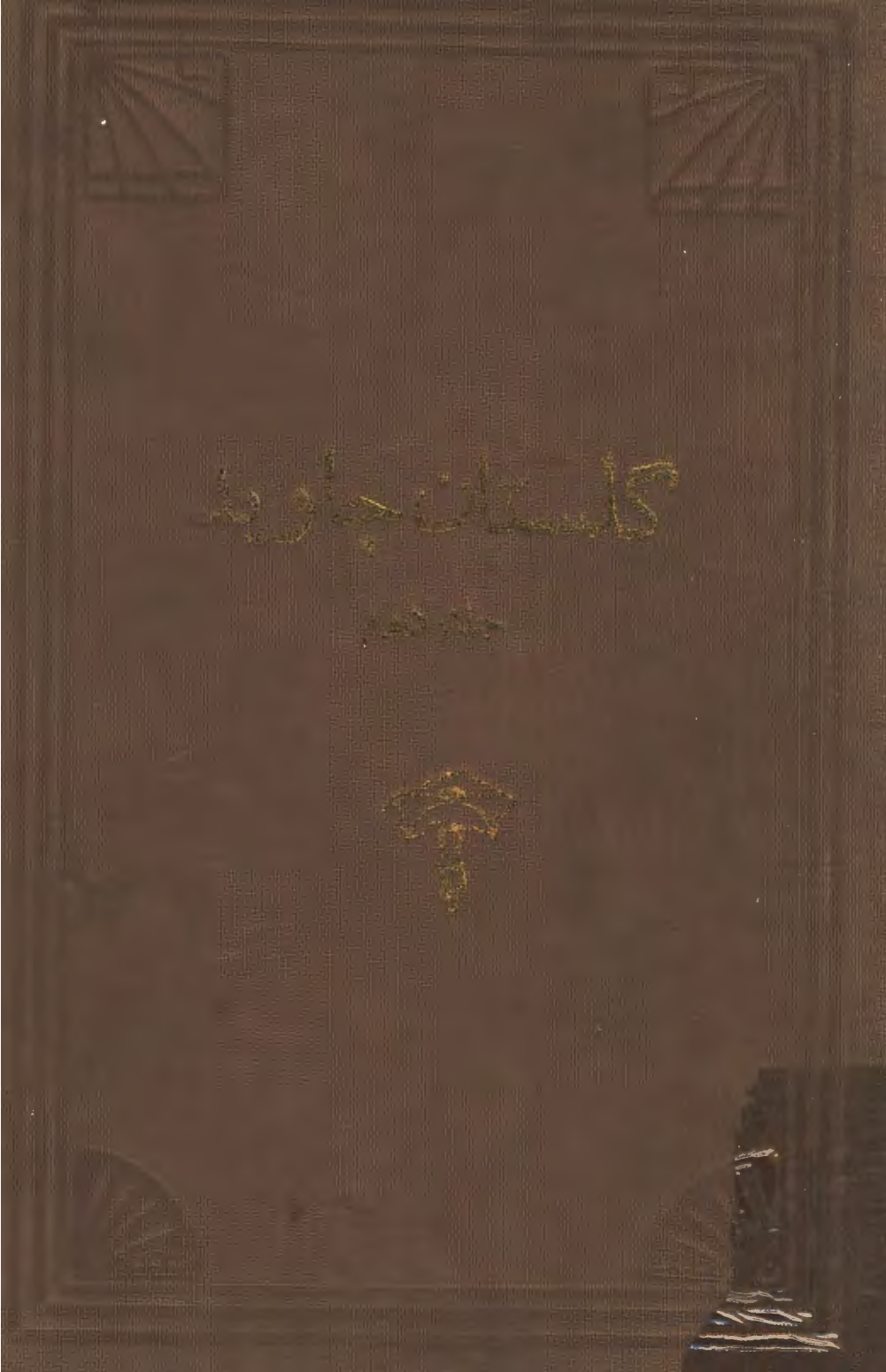




گلستان جاوید

مشمول بر

زندگی و آثار مشایخ و بزرگان معروف

سلسله نعمة اللهی

از حضرت منور علیشاه به بعد

السیکن شد

دفتر دوم

تألیف

قطب العارفین جناب آقای دکتر جواد

نور بخش کرمانی

حق چاپ و نقل مندرجات این دفتر و سایر انتشارات
خانقاه بدون اجازه کتبی محفوظ و ممنوع است

مهر ماه ۱۳۳۹ شمسی

شرکت چاپخانه سرمدی

دینار ویش درویش ۳- آقا محمد ابراهیم ۳- درویش
 ۲- آقا محمد قاسم ۲- آقا محمد قاسم ۲- آقا محمد قاسم ۲-
 ۱- آقا محمد قاسم ۱- آقا محمد قاسم ۱- آقا محمد قاسم ۱-
 ۵- عیسیٰ بن مریم ۵- عیسیٰ بن مریم ۵- عیسیٰ بن مریم ۵-
 ۴- عیسیٰ بن مریم ۴- عیسیٰ بن مریم ۴- عیسیٰ بن مریم ۴-



زندگی و آثار جناب آقای سید ابوالقاسم سیرجانی

(وفی علی) (مانده از جلد اول)

دیوان جناب شاه نعمت‌الله ولی قدس سره را مرحوم سید ابوالقاسم وفی‌علی تصحیح نموده و بدستور ایشان مرحوم میرزا کاظم خان رونق‌علی بخط خود می‌نویسد آنگاه بهمت مرحوم سردار نصرت والی کرمان و آقای آقا شینخ یحیی رئیس فرهنگ وقت بطبع آن کتاب اقدام می‌شود. نسخه‌ای از کتاب مزبور را مرحوم وفی‌علی خدمت قطب العارفین حضرت مونس‌علی شاه می‌فرستد بامر معظم له فاضل ارجمند مرحوم معین‌الشریعه اصطهباناتی تقریظی بر دیوان مزبور می‌سراید تقریظ نامبرده در آخر دیوان حضرت شاه ولی که بتاریخ ۲۶ دی ماه ۱۳۱۶ در چاپخانه علمی مجدداً با حروف سربی بطبع رسیده چاپ شده است و در زیر نگاشته می‌شود:

دوش از جهان ملول بخلوت‌که خمول

بودم که ناگهان ز درم یار آمدی

مونس‌علی جهان صفا مرکز وفا

عین هدایت و شه ابرار آمدی

کردم سلام داد جواب و بجای خویش

بنشست و پس چو بحر گهر بار آمدی

کای هیچکس بگوی چرا دل رمیده‌ای
 تا در قفس چو مرغ گرفتار آمدی
 تو بلبل‌ی که شور و نوا در نوا‌ی تست
 طوطی صفت بنطق شکر بار آمدی
 برخیز هان که نامه ز کرمان رسیدمان
 درمان دردمان همه یک بار آمدی
 از سید زکی و ابو القاسم و فی
 آن کس که در طریق وفادار آمدی
 در برگرفته پاکت پاکش یکی کتاب
 سر بسته بسته بسته بچاپار آمدی
 و و و چنان کتاب که در خیل قدسیان
 اشعار آن حقیقت اذکار آمدی
 دیوان طبع شاه ولی نعمت اله
 آن نور دین که حامل اسرار آمدی
 منظور آمده است بچشم وفی علی
 مسطور هم ز همت سردار آمدی
 سردار نصرت آن خلف مرتضی قلی
 کش بحر بیکران کف ز خار آمدی
 آن معدن شرف که پدر بر پدر همه
 تا بوالبشر شریف و پدر دار آمدی
 فرمانبر است عمده ز فرمانروای فارس
 کسری به بندگیش بدر بار آمدی

اصل کرم چودست برون ز آستین کند
 صد یوسفش کمینه خریدار آمدی
 عبدالحسین آنکه بفرمان طاعتش
 خم پشت هفت گنبد دوار آمدی
 بالجمله در دواجر کرمان گرفته پاس
 ز آنکس که همچو نقطه پرگار آمدی
 شیخ اجل رئیس معارف سریر حکم
 یحیی که زنده نام در آثار آمدی
 زبید گراز تو ماده تاریخ سرزدی
 تقریظ آن برشته اشعار آمدی
 گفتم که ای انیس دل و مونس روان
 کی شعر تر ز خاطر افکار آمدی
 ای مهر چونکه بر سر خاکم گذر تراست
 وی ماه چون بسیر شب تار آمدی
 دربارگاه لطف تو تا زنده مانده ام
 کوش و دلم چو حلقه مسمار آمدی
 بر آن کتاب نورو بر آن آیه زبور
 داود سان سرود به مزار آمدی



مرحوم سردار نصرت فرزند مرحوم مرتضی قلی خان وکیل الملک

محمد رفیع منشی کرمانی

محمد رفیع منشی فرزند محمد کاظم منشی (برادر انیس علی و معطر علی) (۱) از بزرگان عرفای معاصر خود در کرمان بوده است بسال ۱۲۱۹ هجری قمری تولد یافته بنا بر ذوق فطری که پدر و اجدادش همه مردمی عارف و دانشمند بوده اند در کرمان خدمت حضرت رحمتعلی شاه بفقر مشرف میشود بعد از فوت پیر بزرگوار به تهران مسافرت می کند هنگام توقف در تهران منزل مرحوم مستوفی الممالک خدمت حضرت منور علی شاه تجدید ارادت نموده بکرمان برمی گردد. کتب متعددی فقیر بخط آن مرحوم در کتابخانه خانوادگی ایشان دیده ام حسن خط و طبع شعری نیز داشته رباعیات زیر ازوست:

(۱) در سیر و سلوک آنکه بعالم طاق است

وز مهر و وفا یگانه آفاق است

خساک در مشتاق (۲) شود چون منشی

گر نور علی را بجهان مشتاق است

(۲) گر باده خورم باده مستانه خورم

وین پرده ناموس به پیمانه درم

۱- رجوع شود بکتاب طرائق الحقایق تألیف حاج نایب الصدر شیرازی

(معصوم علی)

۲- مراد مشتاق علی است (از مشایخ معروف سلسله نعمة اللی بوده و

مزارش در کرمان بنام مشتاقیه معروف است)

روزی که برم حاجت خود ای زاهد
بر در که پاسبان میخانه برم

(۲) ساقی بدو جام کامران ساز مرا
 يك لحظه بد هر شادمان ساز مرا
 زان پیش که مرگ سر گرانم سازد
 از باده ناب سر گران ساز مرا

(۴) تا چند ترا عمر بهستی گذرد
 و ندر غم خویشتن پرستی گذرد
 می نوش و مغمور غصه که این عمر عزیز
چون می گذرد به که بهستی گذرد

وفاتش در کرمان بسال ۱۳۰۳ هجری قمری اتفاق افتاد بنا بر وصیت
 خود پائین پای مقبره کوثر علی در مشتاقیه کرمان بخاک سپرده شد



معتمد رفیع منشئی کرمانی
(عکس در سن ۸۰ سالگی برداشته شده)

محمد علی منشی کرمانی

محمد علی منشی فرزند محمد رفیع منشی بسال ۱۲۶۹ هجری در کرمان
تولد یافته و از معارف زمان خود بوده است خدمت سید ابوالقاسم وفی علی
بفقر نعمه اللهی مشرف شده و سالها از محضر مرحوم سید استفاضه می نموده
است شعر هم می سروده و این رباعیات باو منسوب است :

(۱) گویند محققان که حی متعال

ذاتی است که اورا نبود شبه و مثال
افعال خدائی ز علی گشته بدید
در حیرتم از آن سخن و این افعال

(۲) گویند که روز عید مولود علی است
من حیرانم که این سخن گفته کیست
امروز اگر علی ز مآذر زاده است
پس آیه لم یلد و لم یولد چیست

(۳) در میکده آن شیخ مناجات گذشت
بر حلقه رندان خرابات گذشت
چون دید صفای می و میخواران گفت
افسوس که عمر ما بطامات گذشت

(۴) امروز علی ز جسم ناسوتی رست
بی رید ز کثرت و بوحدت پیوست

شمس ازلی که عکس او بود علی
برجاست نهایت آنکه آئینه شکست

(۵) مردان ز غم زمانه افغان نکنند
جمعیت خ-ویشن پریشان نکنند
جان به-رچه خواهند برای جانان
جان را بدهند و ترک جانان نکنند

(۶) من باده صاف مشکبو می نوشم
هر که که خورم سبو سبو می نوشم
بالینمه باکم از کنه نیست که من
بر حب علی و آل او می نوشم

(۷) زان می که بود قوت روح ایساقی
پیش آر که شد وقت صبح ای ساقی
در بحر دلم ز موج غم طوفانی است
جام است مرا کشتی نوح ای ساقی

(۸) ایساقی سیم ساق سیمین غیب
وی شاهد شیرین دهن و شکر لب
بر خیز و بریز باده از اول صبح
بنشین و بگو-و سرود تا آخر شب

حضرت شاہ نعمۃ اللہ ولی (ماہان) مدفون شد.



محمد علی منشی کرمانی

ارادتمندان وفی علی

علیرضا بیك (۱) (رضاعلی) يك پسر داشت بنام آقا حسین که امور دولتی و کارهای شخصی را باو تفویض نموده خود در ماهان معتكف و همانجا مرحوم شد.

آقا حسین از مشرفین خدمت حضرت رحمةعلی شاه است و اولین کسی بود که در کرمان تسلیم حضرت ایشان شد شش پسر داشت آقا احمد آقا محمد ابراهیم (عکس در صفحه ۲) آقا محمد هاشم آقا محمد قاسم (عکس در صفحه ۲) از بی بی صدر و دو پسر دیگر آقا عبدالحسین و آقا غلامحسین که از مادر دیگر بودند.

در سال اول که جناب وفی علی با اجازه حضرت منورعلی شاه بکرمان مراجعت نمود و بمکی آباد سیرجان رفت نخست آقا احمد از قلعه عسکر شرحی مبنی بر معرفی خود و خانواده اش نوشت و بحضور سید فرستاد و از سید دعوت نمود جنابش قبول فرموده بدان سامان رفت و اولاد آقا حسین از مرد وزن دست ارادت باو دادند و امروز فامیل فرزندان در کرمان از اولاد زاده های آقا حسین نامبرده اند.

رباعیات زیر از مرحوم آقا محمد قاسم است و گویا در اشعار خود درویش تخلص می نموده.

۱- شرح حالش در ریاض السیاحه نوشته شده.

ای خسرو ملک لا فتی ادر کنی
سلطان سریر هل انی ادر کنی
در پنجه گرگ نفس بس خوار و ذلیل
در مانده ام ای شیر خدا ادر کنی

من خود بغم تو مبتلا خواهم کرد
آفاق پر از مهر و وفا خواهم کرد
یا سیل فنا ز جا کند بنیادم
یا جای در اقلیم بقا خواهم کرد

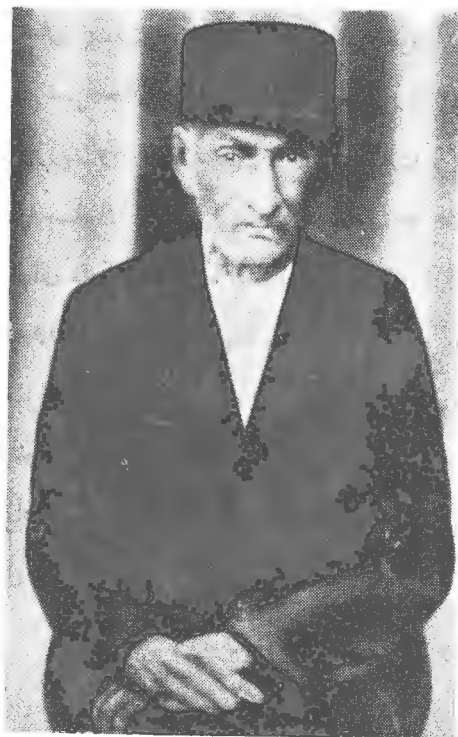
سلطان بکله گوشه شاهی مفتون
زاهد بجمال پارسائی مرهون
ما خواسته ایم فقر و بد نامی را
کل حزب بمال دیدیم فرحون

بر من که دلم شکسته سنک آمده است
هفت اختر و شش جهت بتنک آمده است
بر مرغ دلم کز آشیان دگر است
این نه نفس فراخ تنک آمده است
این رباعی منسوب به آقا محمد هاشم است که در شعر شکسته
تخلص مینموده .

گفتند خدا نکرده بشکست دست
 برگردن من که این گنه دل را هست
 گفتی که دلت بدست آرم روزی
 ناورده بکف درست دست تو شکست



آقا احمد فرزند آقا حسین فرزند علیرضا بیگ (رضاعلی)



آقا محمد هاشم فرزند آقا حسین فرزند علیرضا بیگ (رضاعلی)

ارادتمندان وفی علی

زبدۃ السالکین جناب آقای لطف الله قتلو بسال ۱۳۰۰ قمری در سید آباد سیرجان خدمت جناب شیخ الکاملین سید ابوالقاسم وفی علی بمقرر مشرف شد در سیرجان و ماهان پنج اربعین زیر نظر جناب سید بریاضات اشتغال ورزید و دو دفعه مجذوب گردید که در بر تو توجهات شیخ بزرگوار از جذبه بسلوک آمد و از طرف پیر مقلب به طاهر علی شد . مرحوم سید سالهای متمادی سه ماه از سال را با عده ای از فقرا بنا بدعوت ایشان در اسفندقه و رودبار که قشلاق آن زمان طایفه قتلو بود بسر می برده است در حقیقت منزل آن مرحوم خانقاه فقرای آن سامان بود سرانجام بسال ۱۳۲۹ قمری در حوالی را بر بر رحمت ایزدی پیوست و کفن و دفن او بدست جناب سید برگزار شد اشعاری سروده از جمله رباعیات زیر از اوست:

ای لطف اله خدا ترا ناصر شد

چون نور علی در دل تو ظاهر شد

از خبث و پلیدی بدن پاک شدی

کز پیر طریقت لقیبت طاهر شد

ای طاهر علی نه رب مانده است و نه شک

صد بار فزون زدی تو خود را بمحک

در آتش عشق چون سمندر رفتی

حق بساد نگهدار تو ، « الله معك »

ای طاهر علی تو صاحب جام جمی
 بیپوده چرا فتاده در بحر غمی
 در کون و مکان برای آن آمده ای
 تا آنکه مدام دمبدم دم بدمی

ناهج بمنـاهج شریعت مـائیم
 سالک بمسالک طریقت مائیم
 واقف برموز کنت کنزاً شده ایم
 عارف بمعارف حقیقت مائیم

ما آینه سکندر و دارائیم
 از وهم و گمان مردمان بالائیم
 چون قاف سکون ارض را اوتادیم
 مانده رشته در جهان یکتائیم

ای شیر خدا کننده خیبر دل
 در قدرت دست تست فتح در دل
 بکشا گره از کارم و آزادم کن
 از قید دو عالم ای غضنفر فر دل

ای آتش عشق زن بجانم شری
 وی برق تجلی بدلم کن گذری

۲۰

این هستی موهـوم مرا پاك بسوز
 كز هستی من دگر نمـاند اثری

عشق است که آشفته کند دلها را
 حلال بود تمام مشکل ها را
 از بادۀ عشق هر که يك جرعه چشید
 طی می کند او تمام منزل ها را

ای رهبر ما عجب نگارینی تو
 غارت گر روم و خطۀ چینی تو
 کس نیست در این زمانه همتای شما
 حقا که نهـال باغ یاسینی تو

فرزند برومند ایشان جناب محامد انتساب آقای نعمت الله قتلو
 در طریقت ملقب به شایق علی هنوز در قید حیاتند و اخوان سلسله نعمه اللهی
 آن سامان بوجود معظم له افتخار دارند.

شیخ النساکین جناب میرزا آقا (نصرت علی) کرمانی رحمت الله علیه

میرزا آقا در طریقت موسوم به نصرت علی خدمت حضرت رحمتعلیشاه
بفقر مشرف شده بود از طرف حضرت مونسعلیشاه بعد از مرحوم سید
ضیاءالدین مرشدی (وفی علی) در کرمان اجازه دستگیری نداشته است.
مردی بود بغایت پرهیزکار و پیوسته متذکر. دعای کمیل را در اواخر عمر با
نشوقی تمام از حفظ می خواند آداب فقری را کاملاً مراعات می کرد در سن
۹۲ سالگی روز چهارشنبه ۱۵ دی ماه ۱۳۲۷ در کرمان وفات نمود مزارش
در مشتاقیه کرمان است و این اشعار بر سنگ آرامگاهش نقر شده:

آه و صد فریاد و اوایلا که رفت از این جهان

نیک مردی که ز صد افزون بود مرا و راسنین

میرزا آقا نام وی نصرت علی او را لقب

بابش اسمعیل - مردی پاک بین و پاکدین

زاهد بازهد و تقوی عابد صوفی منش

در طریق نعمة الله رهبر اهل یقین

عمر را در خدمت اهل ادب برده بسر

روز و شب با اهل علم و فضل بودی هم نشین

حافظ قرآن و آگه از فروع و از اصول

بود سلمان زمان خویش در شرع مبین

اعتماد آیه الله (۱) بیشتر بودی بار
 زانکه بدز اصحاب خاص باب وجدش رامعین
 گرچه بین اهل حق پیر طریقت نام داشت
 مرشدش خواندند آنان از کمین و از مهین
 خویش را خواندی غلام حضرت زهرا که بود
 ذاکر و مداح اهل بیت خیر المرسلین
 چون گذشت از عمر بی آرایشش یکقرن بیش
 از حوادث ناگهانی با اجل شد همقرین
 دل ازین دنیای دون برداشت آنساعت که دید
 در رهش دست و بغل بگشوده جمعی حور و عین
 خواست تمامشاق سال فوتش از پیر خرد
 هانقی بالحن خوش آواز دردادش چنین
 صدز عمرش کم کن و آنکه بتاریخش بگوی
 شد بجهنت نزد مولانا امیر المومنین

(۱) مقصود گوینده مرحوم آیه الله العظمی جناب آقای میرزا محمد رضا
 احمدی کرمانی رحمه الله علیه بوده است

شیخ السالکین جناب آقای سید عبدالمهدی میر حسینی (حییر تعالی) رحمه الله علیه

سید عبدالمهدی میر حسینی فرزند سید محمود بسال ۱۲۸۵ شمسی در کرمان متولد شده بسال ۱۳۱۹ خدمت حضرت مونسعلیشاه بفقر مشرف و بعد از میرزا آقا (نصرت علی) از طرف معظم له در کرمان اجازه دستگیری داشته است بعد از رحلت آنحضرت مدتی از طرف فقیر شیخ تهران بود در سفری که اخیراً بکرمان نمود چند روزی دریم باهم بودیم از آنجا به زرنده برای سرکشی املاک خود رفت و همانجا بتاریخ ۲۵ آذرماه ۱۳۳۵ شمسی مرحوم شد خدایش بیامرزد و بازماندگانش را توفیق عنایت فرماید.

فرزند ارجمندش آقای اسداله میر حسینی و آقای ایرج میر حسینی از اخوان این سلسله علیه اند و توفیق هر دو را از حضرت حق جل و علا خواستاریم



سید عبدالمہدی میر حسینی «حیر تعلی» (اوائل تشریف در حال جذبہ)



سید عبدالمهدی میر حسینی
(عکس چند روز قبل از وفاتش در بم برداشته شده)



آقای اسداله میر حسینی

سید الکاملین جناب آقای سید محمد خوش چشم (سید علی) رحمه الله علیه

سید محمد خوش چشم فرزند آقا سید رضا فرزند ابوالمعالی نوه
دختری مرحوم نورعلیشاه و نوه مرحوم سرخعلیشاه (ابوالمعالی) بوده
است بسال ۱۲۸۵ قمری در همدان متولد شد مقدمات عربی را در جوانی
آموخت از آنجا که فطر تا از خانواده فقر و عرفان بود مدرس قال را رها
کرد و در طلب مجلس حال روان شد سالها در جستجوی گمشده خود بود
تا اینکه مقصود را در شیراز یافت لاجرم بدانجا شتافت و خدمت قطب زمان
خود حضرت و فاعلشاه بقدر نعمه الهی مشرف شد بدستور معظم له
اربعینی ریاضت مشغول و بعد از آنهم چندین اربعین در تخت فولاد اصفهان و
تهران و مشهد فارغ از بیگانه به محبوب یگانه پرداخت.

در سال ۱۳۴۰ هجری قمری از طرف حضرت صادقعلیشاه بمقام
ارشاد طالبان همدان منسوب و بعداً از جانب حضرت مونسعلیشاه
شیخ سیار گردید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

[illegible]

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

pdftarikhema.com

جنابش از مشایخ عظام این سلسله بود که توانست در همدان چراغ فقر
 نعمۃ اللہی را روشن سازد و علاوه در زنجان نیز عده ای از بزرگان قوم را دستگیری
 نموده است چهار فرزند از ایشان بیادگار باقی است آقا سید احمد آقا سید
 محمود آقا سید محسن آقا سید محمد تقی که همه از اخوان این سلسله علیہ اند.
 وفات

در ۲۴ ماه رمضان بسال ۱۳۴۷ قمری در همدان جان بجانان سپرد و
 همانجا مدفون شد فقید سعید گویا شعر هم می سروده و شهید تخاص مینموده
 غزل زیر باو منسوب است :

هر که شد قربان کوی یار اسمعیل وار
 دارد ابراهیم آذر از وجودش افتخار
 درمی صادق علی یارب چه شور و نشئه ایست
 جرعه ای ناخورده از آن می شود دفع خمار
 دل که عرش اعظم است و مسکن و ماوای حق
 جز بنور روی آتشه کی بود او را مدار
 نعمت اله ولی گوئیم یا رحمت علی
 یا منور یا وفا یا نور پاک کردگار
 سید اسمعیل ما کاو حضرت صادق علی است
 تا ابد باقی بود یارب بحق هشت و چار
 احمد نقاش زرگر مفلسی بیچاره بود
 از نگاه تند او شد خوش زری محکم عیار
 سید خوش چشم بین تا شد شهید کوی او
 فارغ آمد از خود و بگذشت از خویش و تبار

۱- اشاره به حضرت سید اسمعیل اجاق (صادق علی شاه) است

مخمس زیر را مرحوم میرسید علی مستوفی (سرور عالی) در مدح
مرحوم خوش چشم سروده است

ما و خمار می مینای عشق

بیخودی نشئه صهبای عشق

مخزن ما دکه کالای عشق

برمس ما سکه و الای عشق

ناشده نقش آمده زر عیار

ما زازل دلشدگان بوده ایم

مرحله شوق به پیموده ایم

قلب خود از عشق زر اندوده ایم

وز دوجهان فارغ و آسوده ایم

در دل ما نیست بجز مهریار

چشم بد از چشم تو خوش چشم دور

تا شدی از چشم من ای چشم دور

رفت ز چشم من بی چشم نور

چشم دلم داشت ز چشمت سرور

رفتی و بی چشم تو شد چشم تار

رفتی و هرگز نروی از نظر

تا که ز من هست بگیتی اثر

دوریت افکنده بجانم شرر

شب همه شب بی تو مرا تا سحر

هست تنی خسته دلی بیقرار



شیخ المارفین جناب آقای سید محمد خوش چشم قلمبر (سعید علی)



آقای سید محمود خوش چشم



آقای سید احمد خوش چشم



آقای سید محسن خوش چشم



آقای سید محمد تقی خوش چشم

شیخ السالکین آقای سید احمد و کیل الدوله همدانی (فیض علی)

جناب ایشان خدمت حضرت صادقعلیشاه بدلات مـرحوم آقا
سید محمد خوش چشم (سعیدعلی) بفقر نعمۃ اللہی مشرف می شود و در
طریقت ملقب به فیض علی می گردد .

از طرف حضرت مونسعلی شاه بعد از مرحوم خوش چشم در همدان
اجازه دستگیری داشته از آنچه درباره ایشان شنیده ام مردی پاکدل و
روشن ضمیر بوده است وفاتش در همدان بسال ۱۳۲۴ شمسی در سن ۸۱
سالگی اتفاق افتاد
خدایش بیامرزد .



آقای سیداحمد وکیل الدوله (فیض علی) ہمدانی

شیخ السالکین مرحوم میرزا عباس خان بهرامی (نیرعلی) همدانی

آقای بهرامی در سال ۱۳۰۵ شمسی خدمت سید محمد خوش چشم
(سعیدعلی) بقدر مشرف گردید از طرف حضرت مونسعلیشاه اول شیخ
ملایر بود بعد از وکیل الدوله در همدان اجازه ارشاد داشته و در اداره پست
و تلگراف آنجا مشغول انجام وظیفه بوده است بتاريخ ۱۶ آبان ۱۳۲۷
شمسی در سن ۵۳ سالگی جان بجان سپرد رحمه الله علیه



عباس خان بهرامی (نیرعلی) همدانی

شیخ الکاملین مرحوم استاد یداله محلاتی (صامت علی) رحمه الله علیه

استاد یداله از اهالی محلات در طریقت موسوم به صامت علی از مشایخ معروف وزبده حضرت مونسعلیشاه قدس سره بوده است جنابش از او ان جوانی بانیات قدمی کم نظیر برای وصول بحقیقت در طلب استاد طریقت بسیاحت پرداخت نواحی شمال و تهران را سیر کرد در آن زمان به جناب صفی بر خورد نمود پس از سالها ریاضت و مجاهدت سرانجام خدمت حضرت مونسعلیشاه رسید و گمشده خود را جست بعد از تجدید مراسم بیعت و ارادت از طرف معظم له در سال ۱۳۱۶ شمسی بدستگیری و ارشاد اهالی محلات و حدود آن مجاز گردید شنیده شد که مردی بغایت صادق و عاشق با گذشت و بردبار بوده از دارائی دنیا هر چه داشت بر طبق اخلاص می نهاد و با مریدان و دوستان صرف می نمود چراغ فقر نعمه اللهی را در آن سامان بخوبی روشن نمود و طالبان زیادی را دستگیری و تربیت فرمود مردم آن حدود از خاص و عام باو اعتماد و ارادت داشتند وفاتش در ۱۵ بهمن ۱۳۲۵ شمسی در محلات اتفاق افتاد و همانجا مدفون گردید . فرزند ارجمندش آقای حسن فیلی یادگار آن مرد بزرگوار ساکن تهران و از اخوان این سلسله علیه است خدایش توفیق دهد .



استاد یدالله محلاتی (صامت علی)



آقای حسن فیلی

مانده از شرح حال رونقعلی کرمانی (مربوط بجلد اول)

کتاب برهان السالکین حضرت مونسعلیشاه در جواب سؤالات
میرزا محمد کاظم رونقعلی کرمانی تدوین شده و جنابش تقریظی هم بمناسبت
پایان کتاب مزبور سروده که اینست:

برهان سالکین که بود مغز نغز دین
از گفت پاک هادی رسم ده یقین
قطب زمانه حضرت مونسعلی شه آنک

بر فضل او همواره ز فضل است آفرین
سالی سئوال کرد که بین ساعلی زوی

بنوشته در جواب سؤالش که هان ضمین
شرحی که تاکنون ننوشته است هیچکس

بسطی بداده است در آن محکم و متین
آیاتی از کتاب خدایش بود دلیل

اخباری از حدیث رسولش بود قرین
لله در قائله وه ازین کتاب

هست این رساله نزد خرد آیتی مبین
رونق بگفت از پی تاریخ ختم آن
تألیف شد ز کامل برهان سالکین

۱۴۵۲ هجری

فہرست سایر تالیفات معظم لہ کہ تاکنون طبع و نشر شدہ :

۱۔ سخن دل

۲۔ خاتقاہ

۳۔ آداب ورود در سلک اہل دل

۴۔ تفسیر سورہ حجرات و خطبہ ہمام حضرت امیر علیہ السلام

۵۔ تفسیر سورہ ق و حشر و خطبہ مؤمنین حضرت امیر علیہ السلام

۶۔ حقایق المحبة فی دقایق الوحدة

۷۔ مرید و مراد

۸۔ آداب خاتقاہ (جلد اول)

۹۔ دیوان نور بخش (جلد اول) (جلد دوم)

۱۰۔ گلستان جاوید (جلد اول)

۱۱۔ چراغ راہ (جلد اول)